

سبکی شافعی دمشقی و نقد ابن تیمیه

سبکی شافعی دمشقی و نقد ابن تیمیه

سُبکی شافعی متوفای سال 756 ه.ق، از دانشمندان بلند آوازه اهل سنت و معاصر «ابن تیمیه» می باشد. سبکی مخالف نظریات و عقاید ابن تیمیه بود و کتابهایی را نیز در همین مورد نوشته است. از جمله کتابهای وی در نقد ابن تیمیه کتاب: شفاء السقام فی زیارة خیر الانام می باشد.

وی "علی بن عبد الکافی، تقی الدین سُبکی مصری" از علمای شافعی مذهبی است که در سال 683 ه.ق در سُبک از حوالی شام به دنیا آمد. پس از فوت جلال الدین قزوینی، قاضی القضاة دمشق، در سال 739 ه.ق، «ناصر» حاکم دمشق وی را به عنوان قاضی القضاة دمشق منصوب کرد. او همچنین مدتی در سال 742 ه.ق خطیب جمعه مسجد جامع اموی در دمشق شد و در سال 756 ه.ق دیده از جهان فرو بست.

بزرگان علم رجال درباره مقام علمی وی در مذهب شافعی اینگونه نگاشته‌اند به عنوان مثال ذهبی شافعی درباره وی می‌نویسد:

«وی علامه صاحب فنون فخر حَقَّاق [1] و قاضی القضاة مسلمین و نویسنده‌ی کتب زیادی است.» [2]

همچنین سیوطی از علمای بنام اهل سنت درباره وی می‌نویسد: وی امام فقیه، محدث، حافظ، مفسر قرآن، اصولی، متکلم، نحوی، لغوی، ادیب، مجتهد و شیخ الاسلام دوران خود بوده است. [3]

از وی بیش از صد و پنجاه کتاب برجای مانده است که برخی کتب وی عبارتست از: 1، النکت علی صحیح البخاری 2، ضیاء المصابیح فی اختصار مصابیح البغوی 3، السیف المسلول علی من سب الرسول صلی الله علیه وآله وسلم. 4، إبراز الحکم من حدیث رفع القلم 5، الدر النظیم فی تفسیر القرآن العظیم 6، إحياء النفوس فی صناعة إلقاء الدروس. 7، الإغریض فی الحقیقة والمجاز والکنایة والتعریض. 8، المسائل الحلبیة فی الفقه. 9، الابتهاج فی شرح المنهاج فی الفقه الشافعی. 10، الفتاوی السبکیة.

سه کتاب آن در رد ابن تیمیه و عقائد انحرافی اوست که عبارتند از:

الف: کتاب «شفاء السقام فی زیارة خیر الانام»

این کتاب در ده باب تنظیم شده است. ابواب این کتاب عبارتند از:

باب اول: احادیث وارده درباره زیارت. باب دوم: روایات دال بر فضیلت زیارت، حتی اگر لفظ زیارت در آن نیامده باشد. باب سوم: روایات دال بر سفر برای زیارت پیامبر و مشروعیت آن. باب چهارم: نظر علما درباره استحباب زیارت قبر رسول گرامی اسلام (ص). باب پنجم: در ادله اینکه زیارت موجب تقرب است. باب ششم: در ذکر دلائل اینکه سفر برای زیارت قبر پیامبر (ص) موجب تقرب است. باب هفتم: در دفع اشکالات منکرین و بحث درباره نظراتشان. باب هشتم: در توسل و استغاثه به انبیاء و اولیاء. باب نهم: در حیات انبیاء پس از مرگ. باب دهم: در شفاعت عظمای پیامبر (ص) در روز قیامت.

ب: «الدَّره المضيئه فی الردّ علی ابن -تیمیّه»

در این کتاب نیز به نقد و بررسی برخی از عقائد ابن- تیمیه پرداخته است.

ج: «سیف الصیقل فی ردّ علی ابن زفیل»

وی در این کتاب نیز نظرات ابن -تیمیّه و امثال وی را درباره تجسیم و تشبیه و حیات برزخی انبیاء و اولیاء نقد و بررسی کرده است. این کتاب همراه با تکمله-ای از علمای الازهر به قلم محمد زاهد کوثری توسط مکتبه زهران مصر منتشر شده است.

نظر سبکی شافعی در مورد ابن تیمیه

سبکی شافعی متوفای سال 756 ه.ق، از دانشمندان بلند آوازه اهل سنت و معاصر «ابن- تیمیه» می-نویسد: «قد أحدث ابن تیمیه ما أحدث فی أصول العقائد ونقض من دعائم الإسلام الأركان والمعاهد، بعد أن كان متسترا بتبعية الكتاب والسنة، مظهرًا أنه داع إلى الحق هاد إلى الجنة، فخرج عن الاتباع إلى الابتداع، و شذ عن جماعة المسلمين بمخالفة الإجماع، وقال بما يقتضی الجسمیه والتراکیب فی الذات المقدسه و بأن الافتقار إلى الجزء ليس بمحال و قال بحلول الحوادث بذات الله تعالى و أن القرآن محدث تكلم الله به بعد أن لم يكن وأنه يتكلم و يسكت و يحدث فی ذاته الإرادات بحسب المخلوقات، و تعدی فی ذلك إلى استلزام قدم العالم بالقول بأنه لا أول للمخلوقات، فقال بحدوث لا أول لها فأثبت الصفة القديمة حادثة و المخلوق الحادث قديما، و لم يجمع أحد هذين القولين فی ملة من الملل و لا نحلة من النحل فلم يدخل فی فرقة من الفرق الثلاث و السبعين التي افترقت عليها الأمة»[4]

«ابن-تیمیّه بعد از آنکه خود را به عنوان پیرو کتاب و سنت معرفی کرده و اظهار می-کند که دعوت کننده به حق و هدایت کننده-ی به سوی بهشت است، در اصول عقائد مطالبی را بدعت گذاشته و از پایه-های اسلام، ارکان و مبانی آن را نقض کرده و به این خاطر از پیروی حق خارج شده است، داخل در عنوان بدعت-گذار گشته و با مخالفت با اجماع از دایره مسلمین خارج شده است. سخنی گفت که لازمه آن جسمانی بودن خدا و مرکب بودن ذات اوست، تا آنجا که ازلی بودن عالم را ملتزم شد و با این سخنان حتی از 73 فرقه نیز بیرون رفت.»

وی همچنین درباره بدعت ابن تیمیه در تحریم توسّل به انبیاء و طلب شفاعت از پیامبر (ص) می-نویسد: «إعلم: أنه يجوز ويحسن التوسل، والاستغاثة، والتشفع بالنبي صلى الله عليه وآله وسلم إلى ربه سبحانه و تعالى. وجواز ذلك و حسنه من الأمور المعلومه لكل ذی دين، المعروفه من فعل الأنبياء والمرسلين، و سير السلف الصالحين، و العلماء و العوام من المسلمين. ولم ينكر أحد ذلك من أهل الأديان، و لا سمع به فی زمن من الأزمان، حتى جاء ابن تیمیه، فتكلم فی ذلك بكلام يلبس فيه على الضعفاء الأغمار، و ابتدع ما لم يسبق إليه فی سائر الأعصار.» [5]

«بدان که جایز و پسندیده است توسّل و استغاثه و طلب شفاعت به واسطه پیامبر(ص) از خدا و جواز و پسندیده بودن آن برای هر کسی که دین دارد از امور بدیهی است، که پسندیده بودن این عمل در میان انبیاء، مرسلین، سیره سلف صالح، علما و عموم مسلمانان معروف می-باشد که هیچ کس از پیروان ادیان آن را انکار نکرده است و در هیچ زمانی از زمانها چنین نظری شنیده نشده تا اینکه ابن -تیمیّه آمد و در این-باره حرفی زد که مسئله را برای افراد ضعیف الاعتقاد مشتبه کرد و بدعتی گذاشت که کسی در قرون قبل از او نگذاشته بود.»

وی همچنین در پاسخ به ادعای ابن تیمیه در مورد زیارت قبر پیامبر اسلام (ص) چنین می-نویسد: «و بهذا بل بأقل منه، يتبين افتراء من ادعى أن جميع الأحاديث الواردة فی الزيارة موضوعة فسيحان الله! ! أما استحي من الله ومن رسوله فی هذه المقالة التي لم يسبقه إليها عالم و لا جاهل و لا من أهل الحديث، ولا من غيرهم»[6]

«به واسطه این ادله و حتی کمتر از آن روشن می-شود سخن کسی(ابن- تیمیه) که ادعا کرده همه احادیث وارده در زیارت موضوعه(جعلی) هستند، تهمتی بیش نیست. گویا در این سخن که احدی از علما و اهل حدیث قبل از آن بیان نکرده است، از خدا و پیامبرش خجالت نکشیده است.»

وی همچنین به انتقاد از اقدام ابن تیمیه در قرار دادن ابن عقیل در متقدمین (علمای قرون اولیه) و غزالی در بین متاخرین با آنکه غزالی از نظر زمانی قبل از ابن عقیل است، پرداخته و آن را اقدامی در جهت عوام فریبی و به دور از منش علما در مباحث علمی دانسته است.[7] وی همچنین در نقد اقسام زیارت از دیدگاه ابن تیمیه و در نقد قسم دوم می-نویسد: این قسم از زیارت (تبرک به قبور و دعا نزد قبور) از فحوای کلام ابن تیمیه ظاهر می-شود که این قسم را به قسم سوم(زیارت شرک آمیز) ملحق می-کند و دلیلی برای این کار ندارد، بلکه ما قطع به بطلان کلام او داریم و این از امور قطعی دین و سیره سلف صالح است که نسبت به برخی از قبور صالحین تبرک می-جستند چه برسد به انبیاء و مرسلین؟! [8]

وی در ادامه به نقد ادعای ابن تیمیه مبنی بر یکی دانستن مرتبه قبور انبیاء و مرسلین و سایر اموات در زیارت پرداخته و می-نویسد: هر کس ادعا کند که قبور انبیاء و صالحین با سایر مسلمانان یکی است، ادعای بزرگی کرده است که ما قطع به بطلان آن و به خطا رفتن گوینده آن داریم و این کلام منجر به پایین آوردن مقام رسول گرامی اسلام (ص) به مرتبه سایر مسلمانان می-شود و این قطعاً کفر است. پس هر کس پیامبر را از مرتبه-ای که شایسته اوست پایین آورد قطعاً کافر شده است.[9]

وی در ادامه به این اشکال مقدر در دفاع از ابن تیمیه که اگر کسی بگوید که این کار پایین آوردن پیامبر از مقام خاص ایشان نیست بلکه ممانعت از تعظیم بیش از حدی است که شایسته آن نیست پاسخ گفته و می نویسد: «هذا جهل و سوء أدب، وقد تقدم فی أول الباب الخامس الکلام فی ذلک، و نحن نقطع بأن النبی صلی الله علیه وآله و سلم يستحق من التعظیم أكثر من هذا المقدار فی حیاتة و بعد موتة، و لا یرتاب فی ذلک من کان فی قلبه شیء من الإیمان.» [10]

«این از جهل و بی ادبی است و در اول باب پنجم درباره آن صحبت کردیم و ما قطع داریم که پیامبر (ص) شایسته-ی تعظیمی بیش از این مقدار در دوران حیات و بعد از وفات است و کسی که در دلش، مقدار کمی از ایمان باشد در این مسئله به خود شکی راه نمی-دهد.»

از عبارات سبکی شافعی روشن می-گردد که دغدغه ایجاد انحراف جدی در اسلام موجب برخورد وی با ابن تیمیه و افکار انحرافی او گردیده است به گونه-ای که شخصیتی چون سبکی ناچار می-شود اینگونه نسبت به ابن تیمیه موضع بگیرد.

- [1]. [2]. [3].1507 4 [4].352 [5].190 [6].293 1419 [7].79 [8].271 [9].249 [10].250 .250